پیامردان آمین فراموش‌شده در خم‌آنداختن (افتادن) در قصه‌ها و صورت‌های ادب فارسی

یدالله جلالی بهدروف

سکینه عباسی

چکیده
بن‌مایه، کلام‌در کوزه (خم) انداختن (افتادن) و شکل‌درگرفته‌یافته‌ان، که در آینده‌ای کهن ایرانی به‌زبان‌دار، یکی از تصاویر را بی‌نام اشعار و قصه‌ها و حتی بزیرالمز، برای ادب فارسی است. اما بعلت فراموش‌شدن آین‌های مرتبط به آن، منشا این تصاویر ناشناعه‌ای است. در مقاله حاضر بخش از قصه‌ها و شرایط‌آموزش و صورت‌های ادب فارسی را، که حامل این آینه‌های، تحت بررسی قرار داده‌ام. حاصل کار نشان می‌دهد که ادبات به‌طور غیرمستقیم، نگهدارنده و حافظ شاعری و ادب و رسم بسیاری نظر این آینه‌است. همچنین جایی می‌باشد ادبی همبستگی کامل وجود دارد و جایی شاعری و اپه‌ها از ترسیم‌های با محتوا و متأثر از ناسانی‌ها و وعده‌های خارجی تغییر بفتد و درگرفته شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شرایط‌آموزش، ادبیات فارسی، قصه‌های عامیانه، بن‌مایه درکوزه‌انداختن، استحترام مرکز.

jalali@yazd.ac.ir
abbasisakineh@ymail.com

*دانش‌پژوهی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه برد
**دانش‌پژوهی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه برد

تاریخ دریافت: 1394/3/14
تاریخ پذیرش: 1394/3/2
دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال 32، شماره 76، بهار و تابستان 1394
مقدمه

یکی از عناصر طبیعی فلکلور بخش‌هایی از فرهنگ آن است که درباره فلکلور فرهنگی قرار می‌گیرد. این بخش شامل آداب و رسوم اجتماعی قوم‌های استان آذربایجان شرقی (شادی‌های و فرهنگ مادی مدرم) قرار می‌گیرند و روضه به هردو جبهه تاریک زمان‌ها تأکید دارند و سپسی بر این عمل ادب و رسوم اجتماعی و خانوادگی را که با رستنا، مزروعه، خانواده، نهادهای دینی، تعطیلات، آیین‌ها، مراسم و ازدواج و بیشتر به مبانی‌های آیینی مرتبط است، دربرمی‌گیرند.

جنگر سازمان‌های آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی، شیوه‌های انتقاد و پرسی را شامل می‌شود و ریشه آنها به زمان‌های بازمانده بلوچستانی (در زمان ۱۳۹۴)، در کنار زمان‌های آبیاری که به آمپلود، کمک به عرضه فلکلور فرهنگی و پیام آن به ادبیات راه‌ها بیان

اجزای بنیادی آیین‌ها ساخته برداشت ذهن انسان‌های کهن‌اند. اساسی‌ترین اشکال که ذهن به تجربه انسان کهن در خلق آیین‌ها و آداب و رسوم می‌آفرید متغیرانی است (کاسبر، ۱۹۹۰: ۱۳۹). این تحولات به مرور زمان نخست وارد جوهر بازآفرینی اتناوب‌یافته می‌شود و به تناسب نگاه اجتماع و فرد، در شکل استعفاه و حراسه و گاهی قصه بنیادین ظهور می‌یابند. اما بر اثر کسب تجربه در دید انسان فرهنگی قدیم خود از دست می‌دهد و به‌دنبال تاریک مانند و متقل است و در همین رنگ‌گاه با دو دسته مهارت‌هایی که یکی از ذهن به تجربه و تقابل‌های با پیشانی‌های صادق می‌شود و شکل ظهور‌یافته آن را ایین‌های نامنن و دیگری از دیدن تحریری با آفریده می‌شود و در قلمرو‌های ادبیات درخور پریسی است (نیز بی‌کرید به بروز: ۱۳۹۰: ۴۳).

تصاویر آیین به‌نماینده‌اری می‌گردد که شرح نماد قادر است به جهان پنگه و حقائق موجود در آن را پیچش و میان بین عینی و ذهنی بین‌بردارن کد. از این‌رو تمایل بعد به‌کار گرفته‌های و فرهنگ‌های ادبی و آیین‌های تأکید کامل و جمعیت دارد و گاهی از رهگذر نمایشگاه افکار و تحولات اجتماعی و حتی انتقادی و آیین‌ها دریا و خلق اثر خودآگاهی با ناخودآگاهی، آن را در شعر، شعر، نواحی خود که پردازش می‌کند، می‌کند.
برای این مقاله، به اوجاد کار شوید در حالی که مدرکی برای این مقاله آماده کنید. نتایج تحقیقی که در این مقاله ارائه گردیده است، نمی‌تواند برای افرادی که به آزمون‌های زبانی نیاز دارند، کاربرد داشته باشد.

روش تحقیق

یکی از روش‌های مطالعه در تاریخچه انواع شفاهی و مادی از فولکلور، روش تاریخی- جغرافیایی است که دست‌بپرورده فولکلورشناسان مکتب فتالاد است. این روش بیشتر خاص مطالعه نوع شفاهی است و به همان نظریه تکمیل در بررسی ضرایب‌الملحها، جیب‌کارها و انواع آداب و رسم‌ها بکار آمده در جغرافیای سراسرنما خاص صورت گرفته است. هنگامی که به تحقیق در زمینه ناخودگاه جمع و فرد است، در پژوهش هر ستون غمانه‌ای می‌توان به کار برد. این روش اساساً در مطالعه قصه‌ها ناقص است و به همین دلیل که نمی‌توان به محبت تاریخی و قومی قصه اعتماد کرد. اما در بررسی‌های اجتماعی، هنگام تحقیق برای بررسی اهمیت و نتایج شهری و تاریخی در جغرافیای سراسرنما خاص صورت گرفته است.

با این روش می‌توان اصول سازه‌های آبی و تجربه آن را در ادب رسمی استخراج کرد. اما در ضمن، که در حالی است که افتاک آوانق تشکیل‌دهنده، به نمای دیگری از مطالعه نیاز دارد. بیشتر در این مقاله به سازه‌های آبی، آبخیزداری، یوپا دارند و وقتی به جرزیه‌ها هنر زبانی وارد می‌شوند و مطالعه ساختارشاسی نیز برای بروز متن لازم است. در این مقاله، نتایج از روش‌های تحلیلی سازه‌های آبی و تغییرات آن بهره گرفته‌ایم.
نتیجه درخور توجه دیگر این رابطه میان این نماینده دیده و آن است. این آب‌یاب است که موتیف مقابل خود را در تصویر خلق شده توجیه می‌دهد. اما گاهی‌گاه به آن درست است. با این حال تصور به آب‌یابی برمی‌گردد، آب‌یاب ممکن است پوشیده و میهم باشد. در این صورت تصور ممکن است گذشته را تحلیل کامل و صحیح حفظ کرده باشد که آب‌یاب را پیوند اطراف آن به‌روشی دید.

واضح است که تصور درک‌کرده‌اندشتن با درک‌کرده‌افشادان به‌کاره ان‌دهی‌شاعری تراویده است. این‌که در ادب که در قرن چهارم تا هشتم بحث‌هایی از آن در ضرب‌المثل‌ها، تعریف شعر فارسی مشهور است. این تصور در آب‌یابی‌ها و ادبیه رسره‌کن ایرانی ریشه دارد. اما یک از پر‌بزرگان این شیخ آن‌ها هم‌آن‌هایی که در این‌جا فرا گرفته‌اند. اما این تصور از چگونه به مسیر تصوری به‌هنجاره، از که به داشته‌شاعران زبانی، از جمله ایفای حافز شیرازی، نمایش گرفته است. اما بسترهای موفق شده در ملامتز مرتبط با تصور به چه گونه بهره بگیرند و به‌طور کامل چه بگذارند؟

پیشینه تحقیق

پیش‌تر از این در حال تصور گزارش در شعر فارسی و تصور مرتبط با آن دو تحقیق جدی صورت گرفته است: در بررسی اول، سیروس شمسی تحقیق را از جنبه ابتکار وجود
بحث و بررسی

1. ذهن تقلیدگر

پیش بوده با اندازه دوستی اخلاقیان به زمان محدود می‌شود. اما با تعدادی جدی به خود می‌شود، این حقیقتش که حیات دارد، اگرگاه می‌باید که زمان وجود دارد و در تام نتیجه‌بریدن نفوذ کرده است. درواقع زمان بی‌محدودی کردن وجود، ظهور خود را اعلام می‌کند. یکی از نمونه‌های بسیار زیادی که از تعدادی مرکز به طول می‌انجامد در زمان تعریف می‌شود. عمر کوتاهی افسوس را برای انسان به همراه دارد، ولی عمر طولانی تحسین پذیری است. اگر زمان احساس کسالت و ضعف و قراومشی را با خود دارد، وقتی انسان جوان است، با زمان رابطه دوستی و همکاری دارد، اما با گذشت زمان این رابطه به غلبه‌اند. این انجام شد. این رابطه مغلوب احساس ترس، اضطراب، ناامیدی، منفی زمان ازدسترفته و شورش را به همراه می‌آورد» (دوران به نقل از عباسی، 1390: 67). به‌ویژه این انسان ضرره‌دهدیه از زمان می‌کوشند و ضعیف انسان بودند خود را تحلیل کند و عملیاتی برای وجود بیابند. بررسی روابط زمان و فراموش و افتادگی را در این‌ها نزدیک بهترین داروی برخی زمان است. این جبه ای با دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو دو D
1.1. بعد ذهنی (درس)

ذهن نازم‌نده به این دوچرخه تغییری که برای تلاش دنیای انسان را بهنوشته‌م. و به‌جای خود، شبیه به یک سیستمی که در ایران از زمان که انسان‌های دوستی بزرگ‌ترین خانواده‌شان است و این راه را راه نیست می‌پیامد. شاید هم، (داستان‌های) این راه که بعد از مرگ باید پیموده شود. راه‌های آلوده، خواننده شده است و این راه را هم نیکان می‌پیامد. و همین، در (داستان‌های) این راه که مقدار کشه است، همان زمانی که همه موجودات را به وقت خود به کام می‌کشد، در کتیبه‌های مهری‌زاده، "خواننده، و سه است، در این نوع فکر زمان است که همه‌چیز را در کام خود می‌کند (تجزیه، 1377: 71).

مراحل همچون کاشتن درخت برای کودک کوره، شهرت مربوط به کشاورزی و تولد خدان‌نیایی، ساخت کلیه‌ها و نوسازی سالانه افسری است. نشانه‌های نیازمندی انسان و زمین، این نمایش در میان اندازه و آدام و گرده مربوط به آغاز سال نو ماه مه‌ای از فراغتی. در برخی مرگ‌های فرهنگی، روح انسان همیشه جایی است، اما با حفظ ادامه‌های کالبدی او با طلسم‌های به‌خصوص جادویی، این شیوه در مصر بسیار رایج بود. اینها در ازدحام مسئله‌بی‌هوش مربوط به مرگ و بردن انسان به سفره نارضایت سکوت، که هر کسی از این یادگارشان است، شخص مزده را کسی که زندگی است، می‌نمایدند (کاسپر، 1390: 235). در مسئله‌هایی که در آنها، خانه‌های زندگی و مرد، به صورت معمول، دیده می‌شده، راهی می‌یابد (هنام: 258).

فلسفه این انسان ذهنی کامل‌ترین و پرکارآگاهی انسان است که ممکن جریان درخشان و خصوصی‌تری از خاطرکشیده، یک بهشت گیمپه با، جاهایی از سعادت و رستگاری است که در زندگی بشر بیشتری، و وجود داشته است (ایلیاه: 1382: 75).

به‌عنوان ترتیب خوانش از این آیین‌ها و آداب و رسوم برانش عین واقعیت است. پس مرگ‌ها باید را هر افزایش این است و یکی از اموری است که بیشترین ناشناختگی و ترس را برای انسان ایجاد می‌کرده است. انسان برای فرار از خشونت رساله‌ای زمان به
پژوهش آینه‌های معنوی زاینده‌روزی به‌رنگ سفید در خم انداختن (افادن)، در قفسه‌ها و مرحله‌های ابداعی فارسی، صص ۴۵-۲۹

اساساً ترین آینه‌های چهار میدان‌ها و تولل سیمرند قبالة به آنها می‌گردد و

تومل برای خانه‌ها در دمای گذشته‌ها، ایرانیان آینه‌های خاص‌ساختاری

مرکزی که همانه‌ی آنها بوده است. در نیم سیلک کاشان، که قدمت

اندیشه آن به ۸۰۰ سال پیش از میلادی می‌رسد، گرمهای کشف شده است که در کف‌تاق

حرف شده‌اند و آین نشان می‌دهد که خلافه‌ای از تازه‌گذاری را در خروج و مراسم اسیر

زنده‌گاه مسیر دندان بدون ناراحتی می‌دهد.

(اسماعیلی، ۱۳۷۷:۱۲۴. مردم بومی ایران پیش از آرایه‌ها مرکزاً خود را نزدیک ایجاد

خانه به خانه می‌سیرند و با آکسید آهن بند آنها را قرمرنگ می‌کردن و در پری‌اولشان

چیزهايی که گذشته‌كدانه که می‌پدیدانند مرده‌ها به آنها نیاز دارند (فروشنده، ۱۳۷۶:۲۳). در

دو ترکیب نامبره گره با شکل ایجاده، از همراه یا پوشش سکی بود. مرکزاً

بسته به موقعیت خورشید به پهلو تای چپ دفن می‌شدند. این نوع آینه‌ای

خاکه‌سازی به موردن زمان مشنو شد تا اینکه در دورهٔ ساسانیان با دیگر در پاره‌ای از نقاط

مختلف ایران‌ها شد. در برخی گرایش‌های دین زرتشتی‌ها که خان جسد

مرکزاً را درون خرم‌های چهارنوا و سالارشینه می‌نپذیرد و پس از زایشدن

گوشته از جسد استخوانها را درون استخوانها می‌کردن (دی‌ریز، ۱۳۸۵:۱۸) ظاهر

استفاده از خرم‌های قراردادن جسد در آن جهت دورکردن آن‌ها از خان بوده است.

شکل بیشتر آینه می‌بوده به این صورت است:

• صورت بینایی آینه: نتایج مقدس

• ۱. اندازه با‌وسیله‌ای ازد (روزگارا ده/زمان) به کام مرگ می‌رود.
زبان و ادبيات فارسي، سال ۳۲، شماره ۲۸

۲- برای انسان مرده تابوتنی از خمره می‌ساند.
۳- جسد در خمره به خاک سپرده می‌شود تا نو زاییده شود.
۴- تکرار این جرخه و جرخه‌ای که درخت نو برای کودک نوزاد به معمای اجتناب پاسخ باور در عالم واقع است.

در ادب فارسی، که آغاز آن مربوط به قرن هزار پرس نامبیان این آیین است، قسه برداران و شاعران با استفاده از این تصاویر آیینی به آفرینش‌های تو دست زده‌اند. بن‌یهاد در گزیده‌داختن (افکاندان) و تصاویر برگرفته از آن بازمانده همین آیین خاصبرای است که از رهگذر گذشته زمان با ملکه محبت و محبت‌های دگرگون شده است. در ادامه دو بعد دهنده که و نوبردی به درخت نو برای قرار می‌گیرد تا براساس آن تصویر مرتبط با این بن‌یهاد تحلیل شود.

۲- ذهن تجربه‌گرا

بر اثر گذشته زمان و شکل‌گیری دانش‌های خردگرا یک برتری از آیین‌ها و اساطیر تبدیل زدایی شده و گوی می‌باشد. اما برنده آنها را ارتباط اندیشه جمع حفظ شد و با ابزار نمادگرایی شاعران به دامن انگشتخدایگان جمعه بزرگ‌گشت (برول، ۱۳۹۰: ۱۲۱). بست انتقال‌دهنده تصاویر آیینی تحلیل شاعران و برداران اثر ابی بوده که متأثر از دورون و محیط تصویر را پاز و شیاری می‌گزارد. اما ازیک‌طرف نفوسیات برداران یک بعد عکس اثر کشا و ازطرقت دیگر کرمان‌های عینی محیط. می‌توان درونی تحلیل آنها را متأثر ساخت. پراکن‌در، دو نوع روابط تحلیل درخت توجه است: یکی تحلیل تقلیدی که در آن تصویر برتکاری (بن‌یهاد) عبتا به کار می‌رود. به بینی دریگ در این بن‌یهاد با این اطمینان کامل دارد. دریگ نمونه‌ای است که در آن تحلیل شاعر تحت تأثیر اجتماع و نفس‌پندازی شاد در بن‌یهاد دخُل و صرف می‌کند. نگارنده‌گرا برای نوع اول عنوان تحلیل تقلیدگرا و برای نوع دوم عنوان تحلیل تجربه‌گرا را به اشتیاق می‌کند. این به این توجه داشته که فقط با چیدن نوع اول بسیار طولانی است نوع دوم است.

۲- تحلیل تقلیدگرا و تحلیل دستاتی

قدم‌های صوری که از اشتباه در خاک سپردنانسن و مرده سخن گفته است، پای نهاده شده‌اند. اثر عصری معمایی کیگاوس بین اسکندر و شمشیری (۱۴۲-۱۴۱۱) است. در این کتاب حکایت خاطری روایت شده که بر دروازه گورستان دکان داشته و از قروه و سنگ هم‌ساین بازارت شمارش مردگانی که به آنجا برده می‌شدوه به چپ می‌گرفت است (عصرالمعالم).
پژوهشی نیست و انسان از هرگونه کنشی عاجز است.

در دو تصویر ترسیم شده در روایت قابوس‌نامه و هفتپیکر، ساختار دست‌نوشه و تقلیدی است.

صورت ادبی داستانی

1. انسان به‌وضوح ازدیده (زورگار) در هر زمان به کام مرج می‌رود.
2. تصویر فروشن و خطر برای مرده وجود دارد.
3. هیچگونه نویزی مطرح نیست.
4. این چرخه صرف‌عی่ง انسان دربار مرجع را نابود می‌کند.

در دو مثال تفکرش، صورت‌بندایی این محدود است. به این معنا که رابطه انسان
پس از مردن با تأثیر خستگی رعایت شده است. یک‌جانبه این دیدگاه تغییر دادی است که این بررسی که تابع ایام خلق اثر است. سمتی دیگر خدا نیست و کسی در انتظار نورانی فرد از کوه نیست و انسان از هرگونه کنشی عاجز است.
نکته دیگر این است که به فرض پرداخت واقعی اساس دو روایت در طبرستان و آذربایجان، به منزله مکان خلق فایووشامه و هفت پیکر، ثابت می‌شود که این مثل یا قصه در آن نواحی را بوده است. از دید پرآب «دانستی که بر انگیزه منطقی استوار است، مناد» آنچه در آن تصویر ایبی با تعمید به‌کار گرفته‌شده، سپر جدیدتر از دانستی است که با انگیزه‌ای بودیده تصویر را به‌کار برده است» (پرآب: ۱۷۱: ۳۲). براین، اساسی تصویر هفت پیکر کهن‌تر از تصویر فایووشامه است.

به‌جز دو نمونه یادشده، تاکنون موردی در منابع روای کهن فارسی نبافت. اما نمونه‌هایی از چنین تصویری در حوزه شعر هم در خور توجه است. در تصویر گودگرده در رباعی زیر از خیام نیشابوری (۴۷۷-۱۰۵۱ ه ق) روزگار تابوت‌ساز خونده شده است که کنش او شکست (مرگ‌آور) است:

چمن است که عقل افرین می‌زندش
این کوزه‌گر در چنین جام لطیف
(خیام، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

عطرالنیشابوری (۵۴۰-۱۸۶۶ ه ق) نیز در اسرازامه گفته است:

یکی پریستدی از آن دیوانه درده
خدا را کامه‌گر دیدیم در این راه
به بابش داد و آن‌ها خود از کنشت
به حکمت کاپه سر را چه بپریست
(عطرال، ۱۳۸۲: ۲۳۹-۲۴۰)

همین تصویر در مواردی که محل قدرت ویژه خیال شاعران بیشر است درگذشته‌هاي فرآیند افتته است. به‌ویژه دلیل آن را در حوزه تصویر پرتسخه از تجربه‌گرای شاعران برسی کنیم:

۲. تجربه گرای و تصویر شعری

بیشترین تصویر برحسبه از بنی‌ای کوزه و ارتباط آن با مرگ، با جلودای درگذشته، در شعر خیام آمده است. گرچه سماد این تصویر در شعر خیام‌پایانست، جان‌های کناری‌ای بیشتر موارد مربوط به مرگ در روابط ای از عناصر کوزه، خم، خشک سر خم، دسته کوزه، کارگه کوزه‌گری، گل کوزه ساخته شده است (بیشر، ۳۱ تصویر). روند ساخت تصویر به‌وسیله شاعر به‌قدری گفته شده است که دریافت آن به بحث نیاز دارد:

به‌خیز و بی‌تا برای دل ما
یک کوزه شراب نا به هم نوش کنید
زان پیش که کوزه‌ها کنید از گل ما
(خیام، ۱۳۸۲: ۴)
بازتاب این فراموش‌شده در خم انتخاب (افتدن)، در قسمت‌ها و مورخی‌های ادبی فارسی، صص ۴۵-۴۶

تا چند اسیر عقل هر روزه شویم
در ده تو کسان می‌ان یان پیش که ما
(همان: ۱۲۳) در کاره‌گر کوزه‌گران کوزه شویم

یک چند محیط بخور به من ده دگری
زان کوزه می‌که کسان در وی یافری
زان بیشتری این کسان که در رهگری
(همان: ۱۶۷)

بگیر پیام و سوء ادلوج
بس شخص عزیزاً که چرخ بدخوارت
صدار پیام کرد و صدار سبی
(همان: ۱۲۲)

نمونه‌های دیگری از شعر فرخی سیستانی (۲۴۵-۷۴۹ هـ) و خواص حافظ شیرازی

۲۲۴-۷۴۹ هـ) در غزلیات نیز درخور توجه است:

پیش‌یا بر کت نو کوزه‌گی بهاد خوریم
(فرخی سیستانی، ۱۲۳۸، ص ۴۴)

زن‌هار کسان سر ما پر شراب کن
(حافظ: ۱۳۷۷، ص ۴۳)

ساختار تصاویر ذکرشده به شکل زیر است:

تصویر شعری ۱ نتایج غير مقدس

۱. انسان با وسیله زمان (خداوندی که قداست‌زاپایی شده)، روزگاری دپاربین می‌روید.
۲. جسد او به خاک سپرده می‌شود.
۳. انسان به کوزه، (یا هر ظرف دیگر) تبدیل می‌شود.
۴. باید با کوزه شراب ملازم بود.

امگ در این ساختار دقت کنید؛ صورت اصلی کوتاه (نیز رک پراب: ۱۳۷۱) ۱۴۸۰ شده است. عنصر "خمره" و اندازه "خاکسپاری" در آن به امید بارزایی از تصویر حذف شده است. قطعاً این مراحلی که ناشی از تغییر نگرش انسان‌های که اساساً آن نوع خاکسپاری مزدگان تغییر بافت و در حوزه دگرگویی دنبال گردیده است.

اما تشکید‌هایی (همان: ۱۵۲) در کنش عنصر کوزه اتفاق افتاده و آن صرفاً که در قصیده‌های ادبی از تصویر حذف شده است. شاعراً آه مخاطب دیگری است که پی‌تبردی انگیزه ادبی و هنری شاعر در آن دخیل بوده و آن جان‌خنشی به کوزه است. چون موضوع بحث حاضر بلاغت کلاسیک نیست از تحلیل این ویژگی درمی‌گذریم.

دبیر اینکه در اغلب تصاویر گسترشی ایجاد شده است و آن افروشدن بن‌مانه

باد: نوشت بروی رفع بیات و نامیدی و ترس از انده‌مرگ، است. این روند حاشیه از چرخ‌های فارسی
تعقید به تقدیس پازل‌های انسان از گوشه برای عصری است که دیگر "زمان" پرسیده نمی‌شود. بیشترین بسیاری از ما در شعر خیام دیده می‌شود. به نظر می‌رسد تکامل تصور کوه‌های با ساختار بادی در شعر خیام بوده و حافظ به‌صداقت از آن متأثر است.

بنا به ترتیب، نگاه شاعر به آینه روبیک‌های تضادگرایانه و تهگمی یافته است. به بیانی دیگر، شاعر به مسندی داشتند مرگ به دنبال باورندازی یا بازگشتی به پازل‌های از پازل (تناسخ) و آرزونی آن واقعیت مرگ و حلال ناشدنی اعمال آن اعتراض دارد:

حبیبی که فضا بود زن مانع
خود را برهم‌آمیز ز سرگردانی
(خیام، 1387)

یا این ره در راه سپیدن بودی
چون سرباز امید بردمین بودی
(خیام، 1387)

آن را هن به اولیه نه بپاید پیداست
کسی آمندن از کجا و رفتن ز کجاست
(خیام، 1393)

نمونه دیگر از شعر حافظ نیز در خور توجه است:

بن سر که در این کارگاهان سک و سیاست
ساس را که در این کارگاهان سک و سیاست
(حافظ، 1377: 22)

تصویر شعر ۲) حرف تناسخ

۱. انسان به‌وسیله روزگار رنگ‌رز و ساخته می‌شود.

۲. کوزه وجود انسان یا انسان سیوکش به‌وسیله سک و روزگار درهم می‌شکند.

در این تصویر زمان یا روزگار رنگ‌رز وسیله سک و روزگار درهم می‌شکند.

را با سک و درهم می‌شکند یا انسان‌های سیوکش زاندی را ناپدید می‌کند. تفاوتی که این تصویر با تصویر پیشین دارد، حرف هر نوع تناسخ از ساختار آن است. چه مقدس چه نامقدس. نخ در این تصویر صورت اصلی آلوه شده ارباب، 1381 و اصل آن، که درکوزه گردید و به‌خاک‌سپریدن آن بوده است. جای خود را به ساخت سب و کاسه پای هر طرف دیگر از پازل مهره ادعا است. همین آمیز در دوره‌های بعد هم رواج یافته است.

در نمونه زیر از حافظ باز هم این تصویر دگرگون شده است:

محل که روز وقامت به پازل بسیرجان
مرا به میدنی برد در خم شراب انداز
(حافظ، 1387: 275)
پیام‌های آینه‌ای در خان وانداختن (افندی)، در فقه‌ها و مصیبات ابد فارسی، ص14-29، ص47

1. مدرک

۲. در خمره‌ای از زمان پس از مدرک، جاودانگی برتر که ملاحظه‌ی م总价، پیام‌ی در خان‌نداختن پس از مدرک به‌طور کامل وجود دارد، نگاه به حوزه‌ای از افرادی از این‌که به حکمی که براساس دید شن و رنگ شیراز، تابع برای قدیمی روایت شده است، نماید، بنیادی با تصاویر خیلی دارد. در نکته خیال به مدرک نگاهی نمودرک‌یابانه وجود دارد، به‌همین لحیظه‌ی از مخاطب دوست م总价 هر رفع اندوز بادبستونی کند، درخواست که در تصویر حافظه به خم شیراز سردی‌سدن پس از مدرک جاودانگی را برای شاعر به ارگی فان‌وای آورد، در جنین مواردی، تصویر بنیادی (آیین) عنصری از زمان ادبی شعر (نوع عقاید) را جذب کرده است، یا شاید از دیدگاه شخصی خود شاعر یا نگریش شاعر به مسالمه‌ای اجتماعی مشاهده این تصویر در شعر این‌مجنون نیز دیده م总价ه.

ترجمه: هنگامی که پیری، مرا در شیش راک به خان بسیاری نمایی استخوان‌هایم را ریشه‌هایش در خان نمایان در و نه در خشکی‌جای به درخت، که می‌رسم پس از مدرک از چشمند عصاره‌ی تاک بپره به‌مانم، بامدادان روز را از آن (شراب) آغاز می‌کنم و بار دیگر شیب‌هگام متوسط.

بی‌آن در اسرار بی‌آن در زمان شاعر شرت‌اکش شده و حرام‌تیرا، نوعی مخالفت با ملاحظات راکارائشه حکومت با نشان می‌دهد. ضمن این‌که بارگست‌های به وضعیت در اساس نوعی برداشت وجودی خاص را داشته فکر می‌کنیم که ان این سکس که یک‌گونه بازگشت‌ی جسمانی با چرخه طبیعت تلفیق می‌شود. ادامة زندگی با شرب مسر است و این هم تکرار همان تصویر آینی در خان‌نداختن مردگان جهت توپ و دوبه‌است.

در این مجال امر به ارتباط خم شرب و خم مردگان خالی از لطف نیست، گرچه بررسی آن موضوع مقاله با مخی‌چنی جدایی‌است. به نظر می‌رسد راه‌های تصویر خم و اجزای مرتبط با آن به ادب خریسی در شعر فارسی و عربی، به‌واسطه‌ی واجبی شده.
چگونه تصویر ایرانی با تصاویر اسلامی

به‌جز تصاویر بیشین، نوع مشابه‌ی دیگری نیز در شعر فارسی دیده می‌شود که ساختار منفعتی دارد. این تصاویر به‌گردش از آیات قرآنی و اساطیر قدیسی است و ارتباطی به نوع ایرانی آن ندارد. بهترین مثال در مرسوم‌العباد، نعم دیا (۶۳۴-۵۲۴ه.) آمده است:

جمعه ملّا سفیم، خوست و رومن، در آن حال متعجب‌ها شوی رحیم‌زاده که حضرت جلت به خداوندی خوست در آب و گل ام قهر. لیکن‌رودی تصرف می‌کرد و چون کوره‌گر که از کوره‌گر خواده‌ساخت، ساکت، آن را به هرگونه می‌مالد و بر آن چیزهایی می‌ناسید و کل آدم را در تخمیر انداخته (نجم الدین رازی، ۱۳۶۴: ۷۲).

تصویر ۴ تصویر معکوس واقعی (نگ خیالی و نه قدیسی از دید انسانی به ناحیه)

۱. انسان به‌ویژه خدا یا پیامبر از خاک کوره‌گر (سفالی) ساخته می‌شود.
۲. انسان به خاک سفالی برمی‌گردد.

۳. جنس خلفت انسان پست است (دعوت به تواضع).

اگر در این تصویر دقت کنید، گزارش انباشته‌ای بر شرشورگار دارد که می‌گوید: منشأ این نمونه ایرانی آن دیدیم. منشأ این تصویر بیان ضعیف‌تر خلقه در دین اسلام است.

حال آنکه ریشه تصویر ایرانی ترس از ناشاکنشگی مزه و امید به نوزایی مقدس به‌پایه که با بی‌پدیده‌ی نبودن اعتصاب از آن میان باور نمی‌باشد، فلسفه‌ی جانآ را گرفته و بنی‌مانی به‌پایه‌ی بر آن افزوده شده و چالاً در باورهای ایرانیان که ریشه‌های دارد. بازاریان تصویر معکوس را می‌توان به بنی‌مانی آیین ایرانی رخ‌گیری کردن احساس مرگ‌دان مربوط دانست. جنان که برخی معتقدند ادبیه هر دو گروه تصویر را برگرفته از تصویر خلفت انسان از خاک در قرن دومیم (شمسی: ۱۳۸۲، ذیل کوره) و برخی دیگر هستند که می‌نشانند، نشود می‌توان تصویر را حاضر تأمین مسلمانان در رابطه آیه «خلق»
پژوهش نداشته باشید برای جلوگیری از دیدگاه اسلامی در مقدمه دیوان شعر و دروازه خلفت آمده است و به بنامه ایرانی متنظر مرا ارتباطی ندارد.

حالم بخت

1. بهترین روش مطالعه بنامهای این دوره کهن حاضر در ادب رسمی یا شفاهی، شوش تاریخی-جغرافیایی و الثقافات ان با شیوه ساختارگرایی است. نیز ایده فلسفی این ادب و تغییر و تحولات موجود در آن با توجه به نیاز مربع شناسی می‌توان انجام داد. براساس این نوع مطالعات، صورت‌های بنیادین آینده‌های هیچ‌گاه از عرصه فرهنگ جوامع حذف نمی‌شود. آنها به عنوان فولک‌فلوک مادی همچون فولک‌فلوک شفاهی از طریق استحکام قبیله، مثلها و صوره‌های شعری به حیات فرهنگی خود ادامه می‌دهند و بر اثر تکرار به شکل بنامه‌ای درمی‌آیند. همچنین کارکرد آنها پیوسته و بر اثر عوامل خارجی و درونی افرادی‌که و پردازندگان دچار تحول و درگرفتنی می‌شوند.

2. آینه تنیفیک در کوزه‌نامه‌ها، در شکل بنیادین خود در کتابسازی و هفت‌پنجره نظامی و یکی از راهنمای خان تکرار شده است. تنها درگرفتنی موجود در ان حذف نتیجه بینایی کهن انسان پس از مرگ است. قدمت این تصاویر بسیار زیاد است و عاملی به کاربردی آن ذهنیتی قطعی‌گرایی.

3. بنامه در کوزه‌نامه‌ها با سببی بسیار بالا در شعر خیام و شاعران پسران دیگر، می‌شود. در شعر مناعب‌های خیام این بنامه دگرگونی تیپیده و با تصویر شراب‌نوشی گسترش یافته است. همچنین بارب هر خیام، نتیجه قسمی انسان و درک‌های آنیکن در تصویر کاسته شده است. ما آن‌روی نتیجه قسمی و از درونی علت کش زمان (مرگ) در راه‌پیمایی در کش خیام آمده است. در نتیجه این تصاویر با دهشی تجزیه گذشتهان روی هسته‌ها که از نگاه انتقادی آنها به واقعه‌های مرگ متأثر است. این تصاویر بسیار جدیدتر از تصاویر تقیدی هستند.

4. آینه در کوزه‌نامه‌ها مرگ‌دان نشان‌دهنده حکم ذهن انسان از مرگ به نوزاد مقدس است و منشا آن ترس آریی‌ها که از ابد زمان بوده است. این بنامه نمکی با تصویر خلفت انسان در کل گوره‌گری و پارک‌گری ای به پیوند، که راهش اسلامی و قرآنی دارد، منفعت است و نیابت آنها را با هم درهم آمیخت. در تصویر دوم با حکم ذهن از خلفت به
پی نوشته

1. Pre-Deglitches Thinking

منابع

قرآن کریم
اسماعیلی، ابوالقاسم (۱۳۷۷) سطور، بانی نمادین، تهران: سروش.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۷۷) مراثی/البان، به‌کوشش محمدعلی سیاوش و پرویز نوری‌علاء، تهران: دانشگاه تهران.

الیا، میرجا (۱۳۹۱) سطور، واقعیت، ترجمه مالی صالح علامه، تهران: کتاب پارس.

بروی، لویین، لویین (۱۳۹۰) کارکردگی ذهنی در جوامع عقب افتاده، ترجمه پداله موفقی، تهران: هرمس.

بونیست، امیل (۱۳۷۷) دین ایرانی برایه منشی‌های متعارف بین‌المللی، ترجمه بهمن سرکاری، تهران: قلم.

براب، ولادیمیر (۱۳۷۱) ریشه‌های تاریخی قصه‌بریان، ترجمه فریدون بدرایی، تهران: توس.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۷) دیوان اشعار، تصحیح محمد فروشی و قاسم فی، تهران: مطبوعات شمس، تهران: سفی علی‌شناس.

جلالی مقدم، منصور (۱۳۷۴) این زیوری، تهران: امیرکبیر.

خیام نیشابوری، (۱۳۸۳) رایات، به‌کوشش اسامیل نژادی‌رستاانی، تهران: هما.

دارمیشن، جمیع (۱۳۴۸) تفسیر ایسوع و ترجمه کاخت، ترجمه موسی جوان، تهران: چاپخانه رگی، رهبر، مهدی (۱۳۸۵) «شیوه تفکیر زرتشتیان دوره آشوریان»، روزنامه سرناه، شماره ۱۳۴۴.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۹۱) رستاخیز کلمات (درس‌هایی درباره نظریه‌ای ادبی صورت‌گیران، تهران، سخن:

(۱۳۸۷) تکامل موضوع کوزه‌بگ در شعر خیام، در: افتخاری در میان سباهای (جشن‌نامه اساد درگیر سرکاری) تهران: قلم، شماره ۲۳-۳۹.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۷) تکامل موضوع کوزه‌بگ در شعر خیام، در: افتخاری در میان سباهای (جشن‌نامه اساد درگیر سرکاری) تهران: قلم، شماره ۲۳-۳۹.

روش‌ها، شیروی، شیروی، (۱۳۸۷) تکامل موضوع کوزه‌بگ در شعر خیام، در: افتخاری در میان سباهای (جشن‌نامه اساد درگیر سرکاری) تهران: قلم، شماره ۲۳-۳۹.

عباسی، علی (۱۳۹۰) ساختارهای نظام تغییر از منظر الیور دیانا، تهران: علمی-فرهنگی.
پژوهشی، دکتر کیاکشوند

"کیاکشوند، دکتر" (۱۲۳۸) هنرمند ایرانی. تصحیح محمدعلی مهران، تهران: ماهو. ۲۰۰۹.

آگاه

کاسبر، ارنست (۱۴۹۰) فلسفه صورت‌های جدید، ترجمه پدیده موفقی. تهران: هرمس.

نجم داودی رازی، عبدالله بن محمد (۱۲۸۶) تاریخ ادبیات از میان میلادی. به اهتمام محمدعلی رباح. تهران: علی اکبر. ۱۳۸۳.

نظامی گنجی، امیرالله بن محمد (۱۳۸۵) حرفکه. تصحیح و جوایش جن و حیدر. به کوشش سعید حمیدی. تهران: قطاره.